



Abstract

Social ethics, as one of the important components in understanding societies, has always attracted the attention of researchers. This study examines the social ethics of the Bakhtiari during the Qajar period based on the travel accounts of Western travelers. The presence of these travelers in Bakhtiari-inhabited regions, which was accompanied by challenges due to their difficult accessibility, geographical dispersion, and the nomadic lifestyle of the Bakhtiari tribe, resulted in the documentation of valuable observations concerning the customs, traditions, and ethical characteristics of this community. By posing the fundamental question, “How was the social ethics of the Bakhtiari reflected in Qajar-era travel accounts?”, this study employs a descriptive-analytical approach and relies on library-based sources, particularly European travel accounts, to collect and analyze the relevant data. The findings indicate that Western travel writers studied the social life of the Bakhtiari primarily for political and economic purposes. In their accounts, they referred to characteristics such as courage, hospitality, a martial spirit, the status of the family and family bonds, as well as reprehensible traits within Bakhtiari society. By adopting a critical perspective toward these sources, this study seeks to provide a more comprehensive portrayal of the social ethics of the Bakhtiari during the Qajar period and to examine the role of travelers in documenting these characteristics.

Keywords: Social Ethics, Society, Bakhtiari Tribe, Travel Account, Qajar Period.

Representation of the Components of Social Ethics in Bakhtiari Tribal Society Based on Foreign Travel Accounts of the Qajar Period

Arman Forouhi

Assistant Professor, Department of Iranian Studies, Faculty of Humanities, Meybod University,
Meybod, Iran.

A.Forouhi@meybod.ac.ir



چکیده

اخلاق اجتماعی به عنوان یکی از ارکان مهم در شناخت جوامع، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. این مطالعه به بررسی اخلاق اجتماعی بختیاری‌ها در دوره قاجار براساس سفرنامه‌های سیاحان غربی می‌پردازد. حضور این سیاحان در مناطق بختیاری‌نشین، که به سبب صعب‌العبور بودن و پراکندگی جغرافیایی و همچنین کوچ‌روی ایل بختیاری با چالش‌هایی همراه بود، منجر به ثبت مشاهدات ارزشمندی از آداب، رسوم و ویژگی‌های اخلاقی این قوم شده است. این پژوهش با طرح این پرسش اساسی که «اخلاق اجتماعی بختیاری‌ها در سفرنامه‌های قاجاری چگونه بازتاب یافته است؟» به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به ویژه سفرنامه‌های اروپاییان، به گردآوری و تحلیل داده‌ها پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سفرنامه‌نویسان غربی با انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی، به مطالعه زندگی اجتماعی بختیاری‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها در گزارش‌های خود به ویژگی‌هایی همچون شجاعت، مهمان‌نوازی، روحیه جنگ‌طلبی، جایگاه خانواده و پیوند خانوادگی و صفات مذموم در جامعه بختیاری اشاره کرده‌اند. این پژوهش بر آن است که با نگاهی انتقادی به این منابع، تصویری جامع‌تر از اخلاق اجتماعی بختیاری‌ها در دوره قاجار ارائه دهد و نقش سیاحان را در ثبت این ویژگی‌ها واکاوی کند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق اجتماعی، جامعه، ایل بختیاری، سفرنامه، دوره قاجار.

بازنمایی مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی در جامعه ایل بختیاری براساس سفرنامه‌های خارجی دوره قاجار

آرمان فروهی

استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

A.Forouhi@meybod.ac.ir

اخلاق اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مشترک در یک جامعه، نقش بنیادینی در شکل‌دهی به تعاملات انسانی و انسجام گروهی ایفا می‌کند. این مفهوم، که دربرگیرنده مؤلفه‌هایی همچون مهمان‌نوازی، وفاداری، تعهدات خانوادگی، احترام به سنت‌ها، و صفات مذموم است، بازتابی از جهان‌بینی و نظام معنایی یک قوم محسوب می‌شود. ایرانیان، با پیشینه تمدنی کهن، همواره بر پابندی به اصول اخلاقی به مثابه ابزاری برای حفظ همبستگی اجتماعی تأکید کرده‌اند؛ امری که در میان اقوام مختلف این سرزمین با تنوعی چشمگیر تجلی یافته است. در بستر فرهنگ ایرانی، اخلاق اجتماعی با تکیه بر آموزه‌های دینی، تاریخی و جغرافیایی، به صورت پدیده‌ای چندلایه و متکثر ظهور می‌یابد. اقوام ایرانی، از جمله کردها، بلوچ‌ها و بختیاری‌ها، هر یک با حفظ ویژگی‌های منحصربه‌فرد فرهنگی خود، نقش مؤثری در غنای اخلاق جمعی ایران ایفا کرده‌اند. در این میان، بختیاری‌ها به دلیل ساختار عشایری، پیوند عمیق با طبیعت و مقاومت در برابر تغییرات اجتماعی تحمیلی، نمونه‌ای بارز از تلفیق اخلاق سنتی با الزامات محیطی به شمار می‌روند.

بختیاری‌ها به عنوان یکی از کهن‌ترین اقوام ایرانی، در گستره جغرافیایی وسیعی از استان‌های خوزستان، چهارمحال و بختیاری، اصفهان و لرستان پراکنده‌اند. شیوه زندگی کوچ‌نشینی مبتنی بر ییلاق و قشلاق، نه تنها سازوکاری برای تأمین معیشت مبتنی بر دام‌داری بوده، بلکه بستری برای شکل‌گیری نظام ارزشی خاص این قوم فراهم آورده است. مهم‌ترین دلیل جابه‌جایی آن‌ها از منطقه‌ای به منطقه دیگر، تأمین علوفه و چرای دام‌ها بوده است. فقدان مراتع کافی برای دام‌ها در فصل تابستان در مناطق گرمسیر (قشلاق) و در فصل زمستان در مناطق سردسیر (ییلاق)، اقوام بختیاری را به ناچار به سبک زندگی کوچ‌روی سوق داده است. حضور آنان در مناطق کوهستانی صعب‌العبور، که همواره با چالش‌های طبیعی و انسانی همراه بوده، روحیه مقاومت، هم‌بستگی و شجاعت را به عنوان ارکان اخلاقی در میانشان نهادینه کرده است.

در دوره قاجاریه، زندگی کوچ‌نشینی در کنار شهرنشینی و روستانشینی در مناطق مختلف و در میان اقوام مختلف رواج داشته است. اشخاص خارجی به عنوان سیاح که در بین مناطق مختلف سرزمین ایران در رفت‌وآمد بودند، با نوع زندگی بختیاری‌ها، معیشت و آداب و رسوم آن‌ها مواجه

می‌شدند و در سفرنامه‌های خود با جزئیات به موضوع پرداخته‌اند. از این جهت، یکی از راه‌های شناسایی ویژگی‌های زندگی اجتماعی جامعهٔ بختیاری، سفرنامه‌های خارجی دورهٔ قاجار است.

در ارتباط با پیشینهٔ مسئلهٔ مقالهٔ حاضر، اثری یافت نشد و برخی آثار از جنبه‌های دیگر به ایل بختیاری نگریسته‌اند. فتاحی و رضوی (۱۴۰۰) در کتاب *چهارمحال و بختیاری به روایت سیاحان* بیشتر با هدف شناسایی اوضاع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این خطه از منظر سیاحان داخلی و خارجی در ادوار پیش از صفویه، صفویه، قاجاریه و پهلوی پرداخته‌اند. آنان در این اثر، ضمن معرفی سفرنامه‌نویسان، به گزارش سیاحان از زندگی، فرهنگ و اجتماع ساکنین چهارمحال و بختیاری پرداخته‌اند. اثر، با وجود ارزشمندی، دارای نکات پراکنده و فاقد دسته‌بندی در حوزهٔ اخلاق اجتماعی بختیاری‌ها است. ربانی‌زاده و قاسمی‌راد (۱۴۰۴) در مقالهٔ «بازخوانی باورهای مذهبی ایلات لر از منظر سفرنامه‌های خارجی دورهٔ قاجاریه» به رویکرد سیاحان خارجی در ارتباط با باورها و عقاید قوم لر پرداخته‌اند. فضای مذهبی و اعتقادات قوم لر، آمیختگی باورهای مذهبی با خرافات و تفاوت در جهان‌بینی میان سیاحان و قوم لر ازجمله محورهای اصلی مقاله است که در زمینهٔ تأثیرگذاری مذهب بر اخلاق، برخی داده‌ها برای پژوهش حاضر مفید است. کجباف و دیگران (۱۳۹۲) در مقالهٔ «نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دورهٔ قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی» بیشتر به نقش ساختاری زن از منظر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در ایل بختیاری پرداخته و به زنان شاخص اشاره کرده و کمتر به زوایای اخلاق اجتماعی آن‌ها ورود کرده‌اند. بر این اساس، مقالهٔ حاضر با اتکا به داده‌های سفرنامه‌های خارجی‌های دورهٔ قاجار، در پی واکاوی ابعاد اخلاق اجتماعی بختیاری‌ها در تعامل با محیط، سنت‌ها و تحولات تاریخی عصر خود است.

۲. مفهوم‌شناسی

در ارتباط با مسئلهٔ پژوهش چند مفهوم ازجمله اخلاق اجتماعی، قوم بختیاری و سفرنامه به توضیح نیاز دارد که براساس آن چهارچوب مقاله پیش خواهد رفت و در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲.۱. اخلاق اجتماعی

اخلاق جمع کلمهٔ خُلق به معنی خوی، سرشت درونی، مروت و خوش‌رفتاری است (دهخدا،

۱۳۵۷: ج ۱۰، ۱۵۴۱۳). اخلاق به عنوان طبع درونی، بر رفتار و صفاتی اطلاق می شود که منشأ آن ها اعمال پسندیده باشد؛ از این جهت، در مناسبات اجتماعی افراد در جامعه تأثیر می گذارد. دورکیم، جامعه شناس برجسته، نیز به این نکته اشاره می کند که اخلاق در آنجا معنا پیدا می کند که تعدادی از افراد بشر به صورت گروهی با یکدیگر زیست اجتماعی داشته باشند (دورکیم، ۱۳۶۹: ۴۲۶). بر این اساس، در کنار اخلاق، اخلاق اجتماعی به عنوان عامل زیست جمعی مطرح می شود. در بررسی فرهنگ جامعه، اخلاق اجتماعی به عنوان ارزش ها، قواعد و شیوه های رفتار در جامعه بررسی می شود (رجب زاده، ۱۳۷۶: ۶۴). اخلاق اجتماعی به مجموعه ای از خصوصیات و ویژگی های جمعی گفته می شود که هنجارها، ارزش ها، اعتقادات و رفتارهای یک جامعه را شامل می شود؛ به گونه ای که فرهنگ عمومی را تحت تأثیر قرار می دهد و در نهایت، رشد اجتماعی و ارتقای فرهنگی جامعه را در پی دارد.

۲.۲. ایل بختیاری

بختیاری ها از اقوام کوچ رو و لر زبان هستند که در بخش جنوب غربی ایران، شامل استان های چهارمحال و بختیاری، خوزستان و اصفهان، زندگی می کنند. مطالعات باستان شناسی و تاریخی، پیشینه ایل بختیاری را به قرون بسیار گذشته می رساند. این ایل به دو بخش لر بزرگ و لر کوچک تقسیم می شده است که در دوره صفوی، سرزمین لر کوچک به لرستان فیلی و سرزمین لر بزرگ از اصفهان تا کهگیلویه و از شوشتر تا بهبهان را شامل می شده است (کریمی، ۱۳۸۱: ج ۱۱، ۴۹۳-۴۹۵). در رأس ایل، ایلخان قرار دارد. خوانین نقش اصلی را در ساختار اجتماعی و سیاسی ایل بختیاری ایفا می کردند. قدرت خوانین براساس طوایفی که بر آن ها سلطه داشتند و مقدار زمین ها و اراضی آن ها سنجیده می شد (لمبتون، ۱۳۶۲: ۴۹۷). پس از آن، کلانتر، کدخدا و ریش سفید نیز در ذیل خان، قدرت اجتماعی و فرهنگی داشتند (گارثویت، ۱۳۷۶: ۱۰۶). شغل اصلی آن ها دام داری و پس از آن کشاورزی است که با فروش محصولات خود امرار معاش می کنند. در کنار آن، فروش محصولات لبنی و صنایع دستی نیز در میان آن ها رواج دارد. زندگی کوچ نشینی مهم ترین ویژگی ایل بختیاری است. ماریان کوپر که در سال های پایانی دوره قاجار از مناطق بختیاری بازدید کرده است، سختی های کوچ در مسیرهای سخت و سنگلاخی را به زیبایی روایت کرده است:

«پیران و ناتوانان و مریض با طناب به پشت قاطرها و گاوها بسته شده بودند. سایرین با پاهای آبله‌زده و خون‌آلود و سرماخورده و لباس‌های نخی نازکشان گریان و خندان و فریادکنان و جهان‌وسکندری‌خوران در سرازیری دامنه کوه پایین می‌رفتند» (کوپر، ۱۳۳۴: ۱۱۹). زندگی کوچ‌روی با همه سختی‌ها و مشکلات اجتماعی، در اخلاق و رفتار آن‌ها، خصایص و ویژگی‌هایی ایجاد کرده که قابل توجه است.

۲. سفرنامه

سفرنامه یکی از گونه‌های ادبی است که ره‌آورد سفر مسافر در آن بیان شده است. در تعریف کامل‌تر از سفرنامه آمده است: «سفرنامه هم «شرح حال» مسافر و سیاح و فرد فرد معاشران اوست و هم «تاریخ» جمع و جمعیت که امروزه از مهم‌ترین منبع برای شناخت ممالک در دوران‌های گذشته و وضع تاریخی و جغرافیایی و ساکنان در عهد و اعصار پیشین است» (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۱۸). پیش از دوره صفوی، تعداد محدودی سفرنامه‌نویس خارجی به ایران آمده بودند. با استقرار دوره صفوی، شکل‌گیری دولت مدرن و افزایش ارتباطات بین‌المللی، سیاحان برجسته‌ای در قالب جهانگرد، سفیر، وزیر مختار، ژنرال، مأمور جنگی، کارشناس نظامی، جاسوس، پزشک، باستان‌شناس، مورخ و غیره به ایران دوره صفوی آمده‌اند که دوران اوج حضور آن‌ها به عصر قاجار برمی‌گردد (انصاف‌پور، ۱۳۶۳: ۱۹). اهمیت سفرنامه‌ها در ارائه مطالب حوزه‌های مختلف، به‌ویژه ایران‌شناسی و تاریخ اجتماعی است که با دید نقادانه و با جزئیات خرد به موضوع پرداخته‌اند. ویژگی‌های زندگی شهری، روستایی و عشایری، معیشت، تغذیه، سبک زندگی، پوشاک، مسکن، راه، مناسبات خانوادگی، آداب و رسوم، فرهنگ، خلق‌وخو و بسیاری از مباحث دیگر را از طریق سفرنامه‌های سیاحان خارجی می‌توان کسب کرد که اطلاعات ارزشمندی را از تاریخ و فرهنگ مردم ایران در اختیار ما می‌گذارد (جوادی یگانه، ۱۳۹۶: ۴).

۳. مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی در ایل بختیاری

بختیاری‌ها دارای فرهنگ، عادات و آداب و رسوم متنوعی بودند که با سایر مردم ایران تفاوت داشت. آیین‌ها، مانند مراسم ازدواج، عزاداری و غیره، به مناسبت‌های گوناگون، از تولد تا مرگ افراد، اجرا می‌شد که سیاحان اروپایی، به دلیل جذابیت این مراسم، آن را در سفرنامه‌های خود به



تصویر کشیده‌اند. سیاحان، به دلیل برخورد اجتماعی با این مردم، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را که برای آن‌ها جذابیتی ویژه داشت، به تصویر کشیدند. به‌طور نمونه، دکتر ویلز، سیاح عصر قاجار، بختیاری‌ها را «چادرنشینان شجاع، کم‌توقع، ساده‌زیست، و دائم آواره در میان دشت و صحرا و کنار رودهای پُرآب و چشمه» توصیف می‌کند (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۱۱). همچنین کرزن این‌گونه بختیاری‌ها را توصیف می‌کند: «زندگانی آن‌ها از فرومایگی‌های پلید به کلی عاری است و در سیرت و قیافه ایشان هوای آزادگی مرزوبوم کوهستانی آن‌ها نیک مشهود است» (کرزن، ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۶۵). دالمانی و مکبن روز نیز که با بختیاری‌ها ارتباط زیادی داشته‌اند، آن‌ها را دارای صفاتی همچون «پابند شدید به اصول و مبانی اخلاقی و قومی» (مکبن روز، ۱۳۷۳: ۷۶)، «حجب و حیای ذاتی، اطاعت از بزرگان قوم و مهمان‌نوازی نسبت به اجانب» ذکر می‌کنند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۹۰). این رفتارها که از دید مورخان داخلی امور عادی تلقی می‌شد، از دیدگاه سفرنامه‌نویسان، به‌خصوص سیاحان خارجی دوره قاجار که محیط زندگی آن‌ها در آن دوره با مردم بختیاری تفاوت چشمگیری داشت، بسیار جالب توجه بود. بنابراین، این سیاحان، علاوه بر اشاره کوتاهی که به مسائل سیاسی داشتند، بیشتر مسائل فرهنگی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند که این گزارش‌های آن‌ها، خلأ موجود در منابع داخلی را که بیشتر مسائل سیاسی مورد توجه حکومت‌ها را به نگارش درآورده‌اند، برطرف می‌ساخت. از این جهت، جنبه‌های مختلف اخلاق در جامعه ایل بختیاری، ترکیبی از شجاعت، مهمان‌نوازی و نزاع‌های خانوادگی، در برخی سفرنامه‌های سیاحان خارجی وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۳.۱. وفاداری در تقابل با خشونت

سختی زندگی در مناطق بختیاری‌نشین، کوهستان‌های مرتفع، دره‌های ژرف و در میان آن‌ها گردنه‌ها و قله‌های صعب‌العبور، به مردم بختیاری ویژگی‌ها و سرشتی بسیار متمایز از سایر مردم ایران عطا کرده که از زمان‌های قدیم وجود داشته است. این روحیه و صفات، توجه اروپاییان را نیز به خود جلب کرده بود. بختیاری‌ها در سفرنامه‌های دوره قاجار با ویژگی‌های متضادی توصیف شده‌اند. از یک سو، به‌عنوان مردمانی خوش‌قول و وفادار معرفی می‌شوند که به تعهدات خود پایبندند. به گفته بیشوب، اگر تعهدی را داوطلبانه می‌پذیرفتند، بدون چون‌وچرا به آن عمل می‌کردند (بیشوب، ۱۳۶۳: ۲۱۱). کرزن نیز زندگی آنان را ساده و عاری از فساد می‌داند (کرزن، ۱۳۸۰:

۳۶۵). از سوی دیگر، برخی گزارش‌ها از آنان به عنوان افرادی حيله گر و ستیزه جو یاد می کنند که به دلیل روحیه انتقام جویانه، همواره درگیر نزاع‌های داخلی بودند. سر ویلسن بختیاری‌ها را مردمانی دلیر، اما خشن می داند که به سوگند خود پایبند نیستند و به دلیل نزاع‌های مداوم شهرت دارند (ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۶۱). بنجامین اشاره می کند که بختیاری‌ها تحمل انتقاد نداشتند و اختلافات اغلب به درگیری‌های خونین منجر می شد (بنجامین، ۱۳۶۳: ۶۸). بدترین شکل این نزاع‌ها، جنگ‌های خانوادگی و برادرکشی بود که با کینه‌توزی عجیبی همراه می شد. درگیری‌های طایفه‌ای، اغلب بر سر مراتع یا دام، به خشونت منجر می شد (دوبد، ۱۳۸۸: ۸۲۱). ویلسن به نقل از یکی از اهالی اصفهان می نویسد: «ایلات و عشایر به دلیل همین نزاع‌ها به هیچ یک از آداب انسانیت آشنا نبودند» (ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۶۱). سفرنامه نویسان دوره قاجار، با توصیف دقیق این ویژگی‌ها، بر نقش محوری محیط جغرافیایی در تکوین هویت اجتماعی بختیاری‌ها تأکید نموده اند (ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۱۱). همچنین، این تناقضات را می توان ناشی از تأثیرپذیری از محیط طبیعی خشن و ساختار عشایری دانست که در برخی مواقع، با به اوج رسیدن اختلافات، به درگیری منجر می شده است.

۳.۲. میهمان‌نوازی

میهمان‌نوازی به عنوان یکی از شاخصه‌های فرهنگی بختیاری‌ها در سفرنامه‌های دوره قاجار، با گزارش‌های متناقضی همراه است. خود بختیاری‌ها ادعا می کردند میهمان‌نوازترین قوم کوچ‌نشین هستند و تمام تلاش خود را برای رفاه میهمانان به کار می بستند؛ باین حال، برخی منابع خارجی این ادعا را با تردید مواجه می کردند. جیمز موریه، سیاح انگلیسی، اشاره می کند که دیگر ایرانیان، بختیاری‌ها را مردمانی می دانستند که بیگانگان را به سختی در جامعه خود می پذیرند (موریه، ۱۳۸۶: ۱۶۳). این تناقض احتمالاً ناشی از تفاوت در تجربه‌های سیاحان، زمینه‌های تاریخی، یا اختلافات درون طایفه‌ای است. از یک سو، وفاداری به خانواده و مهمان‌نوازی برای حفظ انسجام اجتماعی ضروری بود و از سوی دیگر، رقابت بر سر منابع محدود، خشونت را اجتناب‌ناپذیر می ساخت. باین حال، مهمان‌نوازی از ویژگی‌های مثبت آن‌ها بود که به کرات در سفرنامه‌های سیاحان غربی آمده است. دوران، همسر وزیر مختار بریتانیا در اواخر دوره ناصری و ابتدای عصر مظفری، مورد استقبال و پذیرایی بختیاری‌ها در طول سفر به سرزمین‌های آن‌ها قرار گرفته است و در این ارتباط می نویسد: «هیچ چیزی نمی تواند از نظر محبت و مهمان‌نوازی جای پذیرایی این عده را بگیرد.

نه تنها موقع پذیرایی نزاکت را رعایت می کردند، بلکه موقع درخواست ملاقات من نیز چنان ادب و تربیت نشان دادند که ناگهان تصور کردم میان عده ای جنتلمن به سر می برم. عقیده عمومی بر این است که مشرق زمینی ها در مورد زنان رعایت احترام را نمی کنند، ولی حقیقت این است که طرز رفتار و برخورد این کوه نشین ها از هر فرد اروپایی پسندیده تر بود» (دوراند، ۱۳۴۶: ۶۱).

لایارد گزارش می دهد که بختیاری ها از پذیرایی از میهمانان، حتی بیگانگان، لذت می برند و از دریافت پول امتناع می کنند (لایارد، ۱۳۷۱: ۱۱۳). به گفته او، هزینه سفرش مجانی بود؛ زیرا عشایر آن را یک وظیفه و یکی از راه های مهمان نوازی می دانستند و هیچ مبلغی از میهمان خود دریافت نمی کردند و چنانچه مبلغی به آن ها پرداخت می شد، نه تنها ناراحت می شدند، بلکه آن را یک نوع اهانت به خود تلقی می کردند. وی همچنین در دیدارش از لردگان می نویسد: «باینکه من تنها اروپایی بودم که برای اولین بار به این مناطق مسافرت می کردم و همچنین اهالی لردگان تا آن روز یک نفر مسیحی را در میان خود مشاهده نکرده بودند، در همه جا با احترام و صمیمیت با من رفتار می کردند» (لایارد، ۱۳۷۱: ۱۱۳-۱۱۴). میزبانی و پذیرایی بختیاری ها از لایارد به اندازه ای بود که وی اشاره می کند: «ضیافت و پذیرایی گرم خان بختیاری خاطره ای زنده و فراموش نشدنی در من ایجاد کرد؛ زیرا این اولین باری بود که میهمان یکی از خوانین کوه نشین ایرانی شده بودم» (لایارد، ۱۳۷۱: ۱۱۵). ویلسن هم بر مهمان نوازی بختیاری ها این گونه صحنه می گذارد: «اطمینان داشتیم موجبات پذیرایی از هر جهت فراهم است... سرکار بی بی شخصاً در اتاق حضور یافت و طبق معمول همه ایرانی ها که در مهمان نوازی ضرب المثل می باشند، با من شروع به تعارف کرد» (ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۵۰). این گزارش نشان می دهد که میهمان نوازی در میان برخی طوایف بختیاری، به ویژه در مواجهه با بیگانگان، از اصول اخلاقی غیرقابل انعطاف پیروی می کرد.

بیشوب، دیگر سیاح دوره قاجار، نیز بر مهمان داری و رعایت ادب و احترام بختیاری ها صحنه می گذارد. وی در توصیف مراسم پذیرایی در ناغان، از سخاوت و توجه آنان به میهمانان شگفت زده شده است. به گفته او، بختیاری ها، با وجود فقر، برای کسی که خدمتی به جامعه آنان می کرد، مانند پزشکی که جان بیماران را نجات می داد، نه تنها غذا و مسکن فراهم می کردند، بلکه هدایایی مانند خوراکی های محلی نیز تقدیم می کردند (بیشوب، ۱۳۶۳: ۲۱۲). کرزن، سیاح انگلیسی، روایت مهمان نوازی بختیاری ها را این گونه آورده است: «صفات ایشان اختلاطی از وقار و سنگینی

است؛ زیرا که از طرفی با شرم‌اند، اگرچه توأم با خودداری است و خوش‌سلوک و مطیع و مهمان‌نوازند و به علایق خانوادگی و ایلی سخت پابند و از نقایص اخلاقی اکثر ایرانی‌ها نیک منزهند» (کرزن، ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۶۴). مهمان‌نوازی‌ها و پذیرایی‌های مفصل بختیاری‌ها در برخی مواقع مورد اعتراض سیاحان غربی نیز قرار می‌گرفته است که دوران در این ارتباط نوشته است: «آن‌قدر شیرینی آورده بودند که آدم‌های ما به بیماری دچار شدند. هر وقت که دوستانه به این طرز پذیرایی اعتراض می‌کردیم، جواب می‌دادند که چیزی نیست، ما از اینکه کاملاً آماده پذیرایی شما نبوده‌ایم، شرمندہ‌ایم؛ زیرا ما گروهی کوه‌نشین و بیابان‌گردیم» (دوران، ۱۳۴۶: ۶۷). این رفتار نشانگر پیوند عمیق میان میهمان‌نوازی و ارزش‌های اجتماعی مانند قدردانی و احترام متقابل بود.

۳.۳. شجاعت و دلیری

مردم بختیاری به دلیل زندگی سخت کوچ‌نشینی و رویارویی با خطرات زیاد در مناطق کوهستانی و در کنار رودخانه‌های خروشان و تحمل آب‌وهوای مناطق مختلف، مردمانی فعال و پُرانرژی و در عین حال باهوش بار آمده و در مقایسه با سایر عشایر ایران، دارای جسارت و دلیری غیرقابل انکاری بوده و هستند. کلود آنه، جهانگرد فرانسوی که در آستانه مشروطیت از مناطق بختیاری بازدید کرده است، این گونه آن منطقه را توصیف می‌کند: «میان قبایل و طوایفشان تا ابد جدایی و اختلاف، بین خانواده‌ها رقابت و دشمن‌خویی، دره به دره جنگ و کشتار، شبیخون‌ها و حملات ناگهانی و در نتیجه لزوم اینکه هرکس در خانه خود تحصن کند، باروت خود را خشک و خود را آماده دفاع نگه دارد» (آنه، ۱۳۶۸: ۲۰۸-۲۰۹). مردم بختیاری عشق بسیاری به جنگ داشتند و ضمن اینکه در جنگ‌های مختلف شرکت می‌کردند، داستان آن جنگ‌ها و اثرات گلوله و ضربه‌های شمشیری را که در بدن آن‌ها باقی مانده بود، با افتخار برای دیگران نقل می‌کردند. آن‌ها در جنگ‌ها شجاعت زیادی از خود نشان می‌دادند، تا جایی که تعداد اندکی با امکانات کم می‌توانستند با نیروهای زیادی مقابله کنند و در آن جنگ پیروز شوند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۳۲۱). بیشوب ضمن تأیید این گزارش می‌نویسد: «بختیاری‌ها جنگ و ستیز را دوست دارند؛ اگر جنگی واقع شود می‌توانند گلیم خود را از آب بیرون کشند و اگر تفنگ نداشته باشند با سنگ به دشمن حمله می‌کنند. یک بختیاری در آن واحد می‌تواند با ده نفر ایرانی شهری بجنگد» (بیشوب، ۱۳۶۳: ۱۴۰). راولینسون، مستشرق برجسته انگلیسی، نیز بر شجاعت بختیاری‌ها تأکید می‌کند و آن را با خون‌خواهی پیوند می‌زند



و معتقد است که هر عهد و سوگندی که با خون خواهی و کینه توزی آن‌ها مغایرت داشته باشد، نادیده می‌گیرند (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۴۹).

بنجامین، اولین سفیر آمریکا در ایران، ضمن اشاره به ساختار ایلی بختیاری‌ها، رشادت و جنگ جویی آن‌ها را از ویژگی‌های برجسته آن‌ها می‌داند. وی همچنین تأکید می‌کند که نام‌گذاری کودکان بختیاری به اسم حیوانات، برگرفته از محیط و طبیعت اطراف آنان بود. آنان این حیوانات را نماد قدرت و شجاعت می‌دانستند؛ به همین دلیل، نام‌هایی همچون گرگ، شیر و ببر را در ابتدا یا انتهای اسامی بر کودکان خود می‌گذاشتند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۱۰). دالمانی، سنگین‌ترین گناه نزد بختیاری‌ها را «ترسویی و فرار از میدان جنگ، عدم اطاعت از مافوق، تهمت زدن به افراد ایل و آدم کشی و اساساً خطاهایی که بیشتر با جنگ و ستیز یا دفاع از ایل و تبار مرتبطند» می‌داند. همچنین، در نظر آنان، «دلاوری، اطاعت کورکورانه از فرامین فرماندهان، به‌خصوص در اوقاتی که دشمنی به ایل هجوم آورده باشند و سرانجام احسان و ایثار از هر نوع که باشد، والاترین ثواب‌هاست» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۹۵).

کرزن، دیگر سیاح و سیاستمدار برجسته انگلیسی، به مهارت بختیاری‌ها در اسب‌سواری و تیراندازی اشاره می‌کند و تبحر آن‌ها در این امور را یادآور مهارت و دلیری افراد منطقه غربی آمریکا می‌داند (کرزن، ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۶۸). رایس، سیاح انگلیسی، ضمن اشاره به ابعاد اجتماعی و خصوصیات شخصیتی بختیاری، شجاعت آن‌ها را قابل توجه می‌داند و اشاره می‌کند: «بختیاری‌ها متهور و بی‌باک، سخت‌کوش، هوشمند و نیزه‌وشند. زندگی در آن ناحیه، با کوه‌های خطرناک، نهرهای دارای جریان تند، بوران‌های سنگین، محل‌های متنوع برپایی چادرها و سیاه‌چادرهای پوست بز، گله‌های بی‌شمار و همسایگان رقیب و مخالف و جنگ‌طلب، همه عواملی است که آن‌ها را وامی‌دارد خطر کنند و به سرعت تصمیم گیرند» (رایس، ۱۳۸۳: ۶۳). بیشوب و نیدر مایر نیز بر شجاعت، بی‌باکی، دلاوری و جسارت قوم بختیاری تأکید می‌کنند و آن را برگرفته از خوی و خصلت ایلیاتی و عادت به تهاجم و خشونت دانستند (بیشوب، ۱۳۶۳: ۵۰؛ نیدر مایر، ۱۳۶۳: ۲۸۸).

۴.۳. اهمیت خانواده و پیوند خانوادگی

خانواده در ایل بختیاری از لحاظ اجتماعی جایگاه رفیع و برجسته داشت و بختیاری‌ها به اصالت و نسب خانوادگی در میان افراد جامعه شناخته می‌شدند. فرد نیز به تناسب در موقعیت‌های حساس

و مهم از حمایت ایل و خانواده برخوردار بود؛ از این جهت، ابعادی از اخلاق اجتماعی آن‌ها با پیوند خانوادگی و نسبی در ارتباط است. مکبن روز، سیاح برجسته اروپایی که مدت مدیدی در میان بختیاری‌ها زندگی کرده است، در ارتباط با روابط خانوادگی و خویشاوندی در ایل بختیاری این‌گونه نوشته است: «بختیاری‌ها احساسات دوستانه شدیدی نسبت به یکدیگر ابراز می‌دارند و روابط خانوادگی و خویشاوندی را ارج می‌نهند و به‌خصوص مردها احترام زیادی برای مادرها قائل هستند» (مکبن روز، ۱۳۷۳: ۱۲۱). بر این اساس، نقش‌های مادر و زن در ساختار خانواده مردم بختیاری فراتر از ویژگی‌های عادی بود. مکبن روز در این ارتباط معتقد است که احساسات و علاقه شدید زنان به پدر و برادرانشان باعث می‌شد که در اکثریت جنگ‌ها و جدل‌های خانوادگی از نفوذشان استفاده کنند تا بتوانند روابط را به صلح و آشتی سوق دهند؛ البته باید مدنظر داشت که زمانی نسخه جنگ پیچیده می‌شد که مذاکرات صلح به نتیجه نمی‌رسید (مکبن روز، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

زمانی که تلاش و مذاکرات صلح جویانه بین دو طرف به نتیجه‌ای نمی‌رسید، گرفتن خون‌بها بین طایفه‌های بختیاری در بین طوایف متداول و معمول بود و به سه روش انجام می‌شد و بستگی به میزان تقصیر و گناه فرد مجرم داشت. اول، به این صورت بود که هر شخصی از طایفه مقتول که قاتل را پیدا می‌کرد، می‌توانست او را به قتل برساند؛ دوم، آنکه هرجا به گله‌های قاتل دسترسی می‌یافت، حق داشت آن‌ها را به غارت ببرد و دیگر اینکه خانواده مقتول سعی می‌کردند مجرم را منزوی کنند و اجازه عبور و مرور از قلمروشان را به او نمی‌دادند؛ زیرا این افراد را خون‌ریز و قاتل به حساب می‌آوردند (بختیاری، ۱۳۶۹: ۱۲). کرزن نیز اشاره می‌کند که بختیاری‌ها ضمن پایبندی به خانواده، از طرف دیگر خون‌خواهان سخت‌گیری بودند تا آنجا که گاهی تمام یک خانواده از بین می‌رفت (کرزن، ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۶۵).

توجه به حفظ حریم خانه و خانواده نیز در میان بختیاری‌ها جایگاه ویژه داشت. در ارتباط با موقعیت زنان و خانواده، روایت‌های گسترده و قابل توجهی از سیاحان، به‌ویژه سیاحان زن غربی مانند بیشوپ، دوراند، رایس، مکبن روز و لایارد وجود دارد. حضور سیاحان در میان زنان، آنان را به روایت‌های غیرواقعی و ماجراجویانه نیز سوق داده است که نیاز به نقد جدی دارد (فروهی، ۱۴۰۳: ۱۱۴). سیاحان زن به راحتی و با توجه به موقعیت اجتماعی خود به اندرونی خانه‌ها و همراهی با زنان ایل بختیاری می‌پرداختند و روایت‌های ارزشمندی از جایگاه زن و خانواده به یادگار

گذاشته‌اند. رایس، سیاح انگلیسی، به صورت اختصاصی سفرنامه خود را تحت عنوان «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان» به وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان ایرانی عصر قاجار اختصاص داده و اشارات متعددی به زنان بختیاری دارد. وی معتقد است که اعمال غیراخلاقی و هرزگی تقریباً در میان بختیاری‌ها ناشناخته است و مردان توجه زیادی نسبت به زنانشان معطوف می‌دارند و بسیار در فکر آن‌اند (رایس، ۱۳۸۳: ۶۵). مکین روز و رایس نیز بر همین موضوع تأکید می‌کند که بی‌بندوباری، هرزگی و انواع فساد اخلاقی که در غرب وجود دارد، در میان بختیاری‌ها وجود نداشته است (مکین روز، ۱۳۷۳: ۶۰؛ رایس، ۱۳۸۳: ۶۷). دالمانی نیز تأکید می‌کند که زن بختیاری هرگز اطراف عمل منافعی عفت نمی‌گردد؛ چراکه مجازات کمترین انحرافی از این گونه اعمال، مرگ است (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۹۷). مکین روز در بیست سال اخیر دوره خود اشاره می‌کند که تنها یک فقره فساد و انحراف اخلاقی در میان زنان بختیاری مشاهده شده است (مکین روز، ۱۳۷۳: ۶۹). بیشوپ معتقد است که بختیاری‌ها بیش از اندازه به زن‌ها احترام می‌گذارند و به همین خاطر هم آنان همیشه بدون ترس و دغدغه خاطر به هر نقطه‌ای از خاک بختیاری که بخواهند سفر کنند، حتی در بحبوحه جنگ‌های ایلی هم بختیاری‌ها حریم زن‌ها را پاس نگه می‌دارند (بیشوپ، ۱۳۶۳: ۱۵۹). لیدی شیل نیز معتقد است که وضعیت زندگی زنان بختیاری در مقایسه با زنان شهری مطلوب‌تر است (شیل، ۱۳۶۲: ۶۵).

با وجود آنکه چندهمسری در میان بختیاری‌ها و به‌ویژه خوانین آن‌ها رواج داشت، ولی این موضوع در میان آن‌ها به عنوان اقدامی در راستای اتحاد میان خانواده‌های بزرگ و با هدف نفوذ در میان پایگاه‌های مختلف اجتماعی صورت می‌گرفت (رایس، ۱۳۸۳: ۶۳). همچنین، طلاق در میان بختیاری‌ها به ندرت صورت می‌گرفت و رسوایی بزرگی شمرده می‌شد. زنان بزرگ خوانین بختیاری که با عنوان «بی‌بی» شناخته می‌شدند و دارای جایگاه رفیع در میان ایل بودند، با وجود آنکه دچار اختلافات زناشویی می‌شدند، ولی هرگز این رابطه به طلاق منجر نمی‌شد (رایس، ۱۳۸۳: ۶۵). مکین روز در اواخر دوره قاجار ادعا می‌کند که تحت مدیریت بی‌بی بزرگ، اختلافات به حداقل می‌رسید و زنان با فرزندان شوهر رفتاری عطوفت‌آمیز داشتند (مکین روز، ۱۳۷۳: ۶۷). همچنین، پس از فوت خان، همسران وی موظف بودند با برادران او ازدواج کنند. بزرگ‌ترین برادر حق ازدواج با تمام یا چند تن از آنان را داشت، اما زنان می‌توانستند این درخواست را رد کرده و مجرد بمانند

(مکبن روز، ۱۳۷۳: ۷۲). این رسم نه‌تها ساختار قدرت خانوادگی را حفظ می‌کرد، بلکه از زنان بیوه در غیاب حمایت اقتصادی حمایت می‌نمود.

در عزاداری‌های بختیاری نیز روح همبستگی جمعی و خانوادگی مشاهده می‌شد. زن‌های بختیاری به نشانه عزاداری و ادای احترام نسبت به شوهر یا برادران خود، طره‌های گیسوی خود را می‌بُرند و در کنار قبر عزیزان خود آویزان می‌کنند. همچنین، به جهت علاقه زیاد به زندگی زناشویی و پیوند خانوادگی، پس از درگذشت یکی از اعضای خانواده، مدت مدیدی در حال سوگواری به سر می‌برند (بیشوپ، ۱۳۶۳: ۱۷۱). نوحه‌خوانی جمعی با همراهی سازهای دهل و کرنا، همراه با موسیقی حزن‌انگیز، بخش اصلی عزاداری بود. زنان در این مراسم موهای خود را می‌گدندند، صورت‌هایشان را می‌خراشیدند و بر سینه می‌زدند. این اعمال نه‌تها بیانگر اندوه، بلکه نمادی از وفاداری به پیوندهای خانوادگی بود (موریه، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

مکبن روز در سفرنامه خود ضمن اشاره به خوانین متعدد بختیاری، علایق و همبستگی خانوادگی را بر سایر امور مرجح می‌دید؛ به گونه‌ای که عدم تحویل پناهنده به دشمنان را حتی به قیمت جان خودشان، از زبان خان بختیاری شنیده بود (مکبن روز، ۱۳۷۳: ۵۷). کمبود مردان به دلیل مشارکت در جنگ‌ها، تعدد زوجات را راهی برای حمایت از زنان بی‌سرپرست و جلوگیری از انحرافات اجتماعی می‌دانستند (رایس، ۱۳۸۳: ۶۳).

۳.۵ صفات مذموم و ناپسند

در کنار خصوصیات برجسته و انسانی بختیاری‌ها که در سفرنامه‌های غریبان دوره قاجار آمده است، صفات نامذموم نیز به آن‌ها نسبت داده شده است. در بررسی و استنتاج اخلاقی از این صفات، قاعدتاً ناآشنایی و برداشت‌های ناصحیح سیاح غربی از زندگی ایلیاتی، زندگی در طبیعت سخت و شرایط زندگی کوچ‌نشینی را باید مدنظر داشت. مکبن روز، همراه با ذکر خصایص مثبت و قابل‌توجه بختیاری‌ها، آن‌ها را نیز مردمانی تندخو و عصبی ترسیم می‌کند که طاقت انتقاد و عیب‌جویی از همدیگر را ندارند و به همین علت، اغلب با یکدیگر در جنگ و ستیزند. دلیل این جنگ و ستیزها را نبود دادگاه یا محاکم قانونی در بین آن‌ها می‌دانست (مکبن روز، ۱۳۷۳: ۱۲۷). در روابط زناشویی نیز گزارش‌هایی از سیاحان وجود دارد که مردها رفتار منصفانه‌ای با زن‌ها ندارند و در صورت لزوم، به طرز خشونت‌آمیزی با آنان رفتار می‌کنند (بیشوپ، ۱۳۶۳: ۱۵۴). راولینسون



معتقد است جنگ و درگیری در میان بختیاری‌ها به‌اندازه‌ای زیاد بوده است که رسم فاتحه‌خوانی را از میان برداشته‌اند؛ زیرا در نظر آنان، به دلیل فراوانی قتل و خون‌ریزی در میان بختیاری‌ها، این مردم باید تمام وقت خود را صرف فاتحه‌خوانی می‌کردند (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۴۹). این روایت با واقعیت تناقض دارد و عموماً خون‌خواهی‌ها و جدال‌های خانوادگی با ریش سفیدی خوانین بزرگ به صلح منجر می‌شد.

گزارش‌های مربوط به دزدی و راهزنی در میان بختیاری‌ها نیز حاوی تناقضات چشمگیری است. ویلسن، سیاح بریتانیایی، معتقد است طبیعت چادرنشینی و کمبود منابع، برخی طوایف را به سمت غارتگری سوق داده است (ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۶۱). چریکف، سیاح روس، به حملات بختیاری‌ها به کاروانسرای مادرشاه در مسیر اصفهان گلپایگان اشاره می‌کند و ادعا می‌کند که راهزنان بختیاری به‌طور منظم به کاروان‌ها حمله می‌کردند (چریکف، ۱۳۵۸: ۱۹). ویلز، پزشک و سیاح دوره ناصری، از برخی نقاط با عنوان دزدگاه و کمین‌گاه همیشگی سارقین یاد می‌کند که نام آن‌ها موی را بر اندام مسافرن سیخ می‌کند (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۰۸-۳۰۹). همچنین، گزارش‌هایی از حمله به شهرهای درچه و فریدن در دوره محمدشاه قاجار وجود دارد که در آن‌ها تعدادی از اهالی کشته شدند. بااین حال، ویلسن با استناد به مشاهدات خود، تأکید می‌کند که بختیاری‌ها به‌ندرت دست به غارت و خون‌ریزی می‌زدند، مگر آنکه با مقاومت مواجه می‌شدند (ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۶۱). بیشوب هم تأیید می‌کند با وجود آنکه سرقت در سرزمین بختیاری وجود دارد، پس دادن اموال مسروقه در هیچ جای دنیا به این سرعت نبوده است و از طرف دیگر، مقام ایلخانی، کدخداها و رؤسای طوایفی را که دزدی در حوزه حکمرانی‌شان اتفاق می‌افتد، مجبور می‌کند تا معادل ارزش اشیای مسروقه بپردازند (بیشوب، ۱۳۶۳: ۸۳). البته خوانین بختیاری نسبت به مواجهه با ناامنی بی تفاوت نبودند و لنینچ که برای بررسی احداث جاده کاروان‌روی بین شوشتر و قلمرو بختیاری به ایران آمده بود، براساس مشاهدات میدانی و شنیده‌ها، یکی از اسرار موفقیت حسینیقلی خان، از خوانین بختیاری، در طول زمامداری‌اش را ایجاد امنیت و جلوگیری از سرقت و راهزنی دانسته است (الیارد و دیگران، ۱۳۷۱: ۲۳۲). همچنین، دوراند اشاره می‌کند که سردار اسعد تمام نفوذ خود را وقف جلوگیری از نزاع‌های رقت‌آوری کرده است که به طایفه‌اش خسارت فراوان وارد کرده است (دوراند، ۱۳۴۶: ۸۱).

برخی سیاحان، مانند بیشوپ، معتقدند دولت قاجار عمداً اختلافات داخلی بختیاری‌ها را دامن می‌زد تا از قدرت آنان بکاهد (بیشوپ، ۱۳۶۳: ۲۱۲). دوران‌د خاطرنشان می‌کنند که راهزنان بختیاری معمولاً به اروپاییان حمله نمی‌کردند و در صورت شناسایی، عقب‌نشینی می‌کردند (دوران‌د، ۱۳۴۶: ۱۳۴). همچنین، دوران‌د معتقد است غارتگری را نوعی «اقدام جنگی» می‌دانستند که در چارچوب رقابت‌های طایفه‌ای معنا می‌یافت، نه صرفاً دزدی (دوران‌د، ۱۳۴۶: ۱۹).

نتیجه‌گیری

اخلاق اجتماعی بختیاری‌ها در دوره قاجار، به‌عنوان موضوعی چندوجهی، بازتابی از تعامل پیچیده میان سنت‌های ایل، محیط جغرافیایی صعب‌العبور و تحولات سیاسی اجتماعی عصر قاجار است. این پژوهش با اتکا به سفرنامه‌های سیاحان غربی، به‌ویژه انگلیسی‌ها، در پی واکاوی ویژگی‌های اخلاقی این قوم و تحلیل تناقضات موجود در گزارش‌های تاریخی بوده است. این دسته سیاحان که عمدتاً با اهداف استعماری به مناطق بختیاری‌نشین سفر می‌کردند و گزارش‌های آنان ممکن است تحت تأثیر جهت‌گیری‌های سیاسی قرار گرفته باشد، نیاز به واکاوی و نقد بیشتری دارد.

اخلاق اجتماعی بختیاری‌ها در این دوره، ترکیبی از شجاعت، مهمان‌نوازی، وفاداری به خانواده و نزاع‌های طایفه‌ای بود که تحت تأثیر ساختار عشایری و رقابت بر سر منابع محدود شکل گرفته است. از یک سو، شجاعت و مقاومت به‌عنوان ارکان اساسی در زندگی بختیاری‌ها، ناشی از چالش‌های طبیعی و انسانی مناطق کوهستانی بود. سیاحانی مانند ویلسن و لایارد به روحیه جنگندگی و استقلال‌طلبی این قوم اشاره کرده‌اند که در مواجهه با حکومت مرکزی و تعارضات داخلی تقویت می‌شد. از سوی دیگر، مهمان‌نوازی به‌عنوان یکی از شاخصه‌های برجسته، در گزارش‌های سیاحانی چون بیشوپ و لایارد به‌مثابه نمادی از احترام متقابل و ارزش‌های جمعی توصیف شده است. با این حال، تناقضات در توصیف این ویژگی‌ها، به‌ویژه در مواجهه با بیگانگان، نشان‌دهنده تفاوت‌های جغرافیایی و طایفه‌ای است.

نزاع‌های طایفه‌ای و خشونت‌های داخلی، جنبه دیگری از اخلاق اجتماعی بختیاری‌هاست که در سفرنامه‌ها به شکل متضادی بازتاب یافته است. برخی سیاحان مانند بنجامین و ویلسن این نزاع‌ها را ناشی از روحیه انتقام‌جویانه و رقابت بر سر منابع حیاتی مانند مراتع و دام دانسته‌اند. در مقابل،



فصلنامه علمی

۱۲۷

بازنمایی مؤلفه‌های
اخلاق اجتماعی در ...

گزارش‌هایی نیز از وفاداری بی‌چون‌وچرای بختیاری‌ها به تعهداتشان وجود دارد که نشان می‌دهد این تناقضات ریشه در شرایط محیطی و نیاز به حفظ انسجام اجتماعی داشته است. ساختار عشایری، با تأکید بر وفاداری به خانواده و طایفه، هم‌زمان هم عاملی برای همبستگی و هم محرکی برای رقابت‌های خونین بود.

نقش زنان در جامعه بختیاری نیز از موضوعات قابل توجه این پژوهش است. اگرچه زنان در عرصه عمومی حضوری کم‌رنگ داشتند، در مدیریت داخلی خانواده و سازمان‌دهی مراسمی مانند ازدواج و عزاداری نقشی محوری ایفا می‌کردند؛ باین حال، نظام تعدد زوجات و سلسله‌مراتب همسران، به‌رغم کارکردهای سیاسی و اقتصادی، به نابرابری جنسیتی و تنش‌های داخلی دامن می‌زد. تحولات دوره قاجار، به‌ویژه افزایش تعامل با سیاحان و حکومت مرکزی، تأثیراتی دوگانه بر اخلاق اجتماعی بختیاری‌ها گذاشت. از یک سو، حضور اروپاییان موجب ثبت دقیق‌تر آداب و رسوم این قوم شد و از سوی دیگر، سیاست‌های حکومت قاجار برای تضعیف قدرت ایلات، به تشدید اختلافات داخلی انجامید. گزارش‌های سیاحانی مانند دوراند و چریکف نشان می‌دهد که دولت مرکزی عمده‌ا از رقابت‌های طایفه‌ای برای کاهش نفوذ بختیاری‌ها استفاده می‌کرد. این تعاملات پیچیده، هم‌زمان با افزایش ناامنی در مناطق مرزی، تصویری متناقض از جامعه بختیاری ارائه می‌دهد که در آن سنت‌های ایلی در تقابل با تحولات خارجی قرار می‌گرفتند. مراسمی مانند عزاداری نیز بازتابی از تلفیق آیین‌های مذهبی و سنت‌های عشایری بود. اگرچه سیاحانی مانند موریه به اشتباه این مراسم را «شاد» توصیف کرده‌اند، تحلیل دقیق‌تر نشان می‌دهد که نوحه‌خوانی و آیین‌های جمعی، بیانگر عمق اندوه و پیوندهای خانوادگی در جامعه بختیاری بوده است. این مراسم، به‌ویژه برای خان‌ها و بی‌بی‌ها، با شکوهی خاص برگزار می‌شد و جایگاه اجتماعی متوفی را بازتاب می‌داد. در مجموع، سفرنامه‌های قاجاری، با وجود جهت‌گیری‌های سیاسی و محدودیت‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، منابعی ارزشمند برای شناخت اخلاق اجتماعی بختیاری‌ها محسوب می‌شوند. این متون نه تنها ویژگی‌های مثبتی مانند مهمان‌نوازی و شجاعت را برجسته می‌سازند، بلکه تناقضات ذاتی زندگی عشایری را در مواجهه با چالش‌های محیطی و سیاسی آشکار می‌کنند. برای دستیابی به تحلیلی جامع‌تر، ضروری است که این گزارش‌ها با نگاهی انتقادی و در کنار منابع داخلی بختیاری‌ها بررسی شوند.

این پژوهش نشان داد که اخلاق اجتماعی بختیاری‌ها در دوره قاجار پدیده‌ای پویا و چندبُعدی بود که تحت تأثیر عوامل درونی (ساختار عشایری، ارزش‌های خانوادگی) و بیرونی (تعامل با حکومت و خارجی‌ان) شکل می‌گرفت. اگرچه بسیاری از سنت‌های ایلی تا اواخر این دوره پابرجا ماندند، تحولات اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه یکجانشینی و تحصیل فرزندان خان‌ها در اروپا، زمینه‌ساز تغییرات تدریجی در الگوهای اخلاقی شد. مطالعه این تحولات نه تنها درک بهتری از تاریخ اجتماعی ایران ارائه می‌دهد، بلکه الگویی برای تحلیل تعاملات فرهنگ‌های محلی با نیروهای مدرنیته فراهم می‌کند.



فهرست منابع

- ۱- آنه، کلود (۱۳۶۸). اوراق ایرانی؛ *خاطرات سفر کلود آنه در آغاز مشروطیت*، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: معین.
- ۲- الیارد، اوستن هنری و دیگران (۱۳۷۱). *سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان*، ترجمه مهراپ امیری، تهران: فرهنگسرا.
- ۳- انصافپور، غلامرضا (۱۳۶۳). *ایران و ایرانی*، تهران: زوار.
- ۴- بختیاری، خسرو بن حسین قلی (سردار ظفر) (۱۳۶۹). *یادداشت ها و خاطرات سردار ظفر بختیاری*، تهران: فرهنگسرا.
- ۵- بنجامین، س.ج.و (۱۳۶۳). *ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه*، ترجمه حسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- ۶- بیشوپ، ایزابلا (۱۳۶۳). *از بیستون تا زردکوه بختیاری*، ترجمه مهراپ امیری، تهران: آزان.
- ۷- جواد ییگانه، محمدرضا (۱۳۹۶). *ایرانی ترین غیرایرانی ها؛ خلیقات ایرانیان از منظر بیگانه های آشنا*، چ ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۸- چریکف، کلنل، (۱۳۵۸). *سیاحتنامه مسیو چریکف*، ترجمه آبکار مسیحی، به کوشش علی اصغر عمران، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- ۹- دالمانی، هانری رونه (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فرهوشی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۵). *بررسی سفرنامه های دوره صفوی*، اصفهان: دانشگاه اصفهان و فرهنگستان هنر.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۷). *لغت نامه*، زیر نظر محمد معین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- دودب، بارون (۱۳۸۸). *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۳- دوراند، ای آر (۱۳۴۶). *سفرنامه دوراند*، ترجمه علی محمد ساکی، خرم آباد: کتابفروشی محمدی.
- ۱۴- دورکیم، امیل (۱۳۶۹). *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: کتابسرای بابل.
- ۱۵- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگانی آنان*، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتابدار.



فصلنامه علمی

۱۳۰

دوره ۱
شماره ۲
تابستان ۱۴۰۵

- ۱۶- ربانی‌زاده، سیدرحیم، قاسمی راد، مرضیه (۱۴۰۴). «بازخوانی باورهای مذهبی ایلات لر از منظر سفرنامه‌های خارجی دوره قاجاریه»، *فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی، س ۱۶، ش ۱، صص ۴۳۱-۴۱۱.
- ۱۷- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۶). «ارزش‌ها و ضعف وجدان کاری در ایران»، *نامه پژوهش*، س ۲، ش ۵، صص ۷۳-۵۴.
- ۱۸- روالینسون، سر هنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان)*، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: آگاه.
- ۱۹- شیل، مری لئونورا (۱۳۶۲). *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسن ابوترابی‌ان، تهران: نشر نو.
- ۲۰- فتاحی، قاسم، رضوی، سیده آریتا (۱۴۰۰). *چهارمحال و بختیاری به روایت سیاحان؛ بازتاب اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک هزارساله چهارمحال و بختیاری*، تهران: سامان دانش.
- ۲۱- فروهی، آرمان (۱۴۰۳). «سبک زندگی ایرانی-اسلامی زن دوره قاجار براساس دیدگاه سفرنامه‌نویسان خارجی»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۴۰، صص ۱۲۵-۱۰۵.
- ۲۲- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲۳- کجباف، علی اکبر، الهیاری، فریدون، بختیاری، سمیه (۱۳۹۲). «نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ ق/ ۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵ م)»، *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*، دانشگاه اصفهان، س ۴۹، ش ۲۰، صص ۵۴-۳۹.
- ۲۴- کریمی، اصغر (۱۳۸۱). «*بختیاری* در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۵- کوپر، ماریان. سی (۱۳۳۴). *سفری به سرزمین دلاوران*، ترجمه امیرحسین بختیاری، تهران: امیرکبیر.
- ۲۶- گارثویت، جن رالف (۱۳۷۶). *تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری*، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: سه‌نند.
- ۲۷- لایارد، هنری استون (۱۳۷۱). *سفرنامه لایارد*، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: آژان.
- ۲۸- لمبتون، آن (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*، چ ۳، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲۹- مک‌بن روز، الیزابت (۱۳۷۳). *با من به سرزمین بختیاری بیایید*، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: آژان.



- ۳۰- موریه، جیمز (۱۳۸۶). *سفرنامه*، ترجمه ابوالقاسم سري، تهران: توس.
- ۳۱- نيدر ماير، اسكارفن (۱۳۶۳). *زیر آفتاب سوزان ایران*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ۳۲- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸). *ایران در یک قرن پیش*، ترجمه غلام حسین فراگوزلو، تهران: اقبال.
- ۳۳- ویلسن، آرنولد (۱۳۶۳). *سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران*، ترجمه حسین سعادت نوري، تهران: انتشارات وحید.



فصلنامه علمی

۱۳۲

دوره ۱
شماره ۲
تابستان ۱۴۰۵